

سهم صنایع کوچک در صنعتی کردن

کشورهای در حال توسعه (جهان سوم)

(قسمت اول)

ترجمه از: منصور محمودنژاد

اشاره:

در ارتباط با بررسی مسائل مختلف حول وحوش صنایع کوچک، اهمیت آن در توسعه روستایی و توسعه اقتصادی-اجتماعی ملی، راهبردها، اثرات و نتایج، مشکلات و تنگناها و... مطلبی را انتخاب نمودیم که طی چند شماره از نظر گرامیتان خواهد گذشت.

این مطلب که حاصل نشست و گردهمایی متخصصین سازمان توسعه صنعتی (UNIDO) جهت بررسی سیاست و استراتژیهای توسعه صنایع کوچک در منطقه آسیا و اقیانوس آرام در تاریخ ۱۷ تا ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۵ در سنول مرکز جمهوری کوره می باشد، در چند فصل تدوین و توسط برادر منصور محمودنژاد ترجمه گردیده است.

مجله جهاد از این شماره اقدام به درج تلخیص این مطلب می نماید. آنچه که در شماره اول به چاپ رسیده است شامل گزارش مختصری از کلیه مباحث مطرح شده در مجموعه مطلب و سپس فصل اول تحت عنوان: «سهم صنایع کوچک در صنعتی کردن کشورهای در حال توسعه» می باشد.

خلاصه گزارش نشست گروه متخصصین

از سوی شاخه مطالعات منطقه‌ای و مملکتی یونیدو (unido) نشستی مستشکل از گروهی از متخصصین امر برای بررسی سیاست و استراتژیهای توسعه صنایع کوچک در منطقه آسیا و اقیانوس آرام، گردهمایی در ۱۷-۲۰ سپتامبر ۱۹۸۵ میلادی در سنول پایتخت جمهوری کوره برگزار شد. حاصل این نشست در گزارشی جمع آوری گردید. این گزارش در وهله اول نقش صنایع کوچک (SSIs) را در صنعتی کردن کشورها/فصل دوم) تحلیل نموده و سپس تسلط و تفوق مجتمعات صنایع کوچک را در فعالیتهای صنعتی بیشتر کشورهای در حال توسعه، هم از نظر تعداد واحدهای احداث شده و هم از نظر استخدام افراد، نشان میدهد. بنابراین صنایع کوچک سهم بسزائی در موارد

زیر دارند:

- ۱- با ارزش نمودن تولید، ایجاد اشتغال، کمک به توسعه روستا و قطع مهاجرت از روستاها به شهرها، و رفع مشکلات تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ، ایجاد ارتباط بین صنایع و کشاورزی و استفاده از مواد خام محلی و محصولات زائد موجود مربوطه در مقادیر کوچک
- ۲- ایجاد انگیزه برای مؤسسين صنایع، بویژه روستائی، تشویق مردم به پس اندازهای شخصی و سوق دادن آن به مقاصد بهره وری، انعطاف پذیر نمودن تولیدات در مقابل عکس العمل های بازار، تأمین کردن قطعات صنایع بزرگ در فصل سوم، سیاستهای جاری، استراتژیها و برنامه های توسعه صنایع کوچک بررسی گردیده است، و شانده می شود که حمایتی مؤثر به صنایع کوچک عموماً از طریق زیر تأمین میگردد:
- ۳- سیاستهای کلان اقتصادی که باعث بوجود آمدن جو اقتصادی مطلوب میگردد، توجیه منطقی و روشن و استمرار سیاستهای دولت و اولویتهائی که موجب محیطی مناسب و مطلوب میگردد، برزده های حمایت یکپارچه قابل وصول فوری برای مؤسسين صنایع کوچک، در فصل چهارم، بعضی از مناطق کلیدی منتخب برای حمایت از صنایع کوچک، در ابعاد بزرگتری، بررسی گردیده است. تشویق مردم به تأسیس واحدهای صنایع کوچک واقعاً یک کار کلیدی و اساسی برای کشورهای در حال رشد است که لازم است در این برهه سریع انتقال و دگرگون شدن اقتصاد جهانی و اوضاع تکنولوژیکی به آن پرداخت، برای تحریک (پتانسیل) مؤسسين جدید و ارتقاء

دانستنیهای آنها، پذیرفتن یک سری مشکلات در فرموله کردن سرمایه گذاری مؤثر در برنامه‌ها توسعه، اجتناب ناپذیر است. البته این فقط یک موضوع فنی نیست، در این رابطه فاکتورهای اجتماعی- فرهنگی و سیاسی نیز نقش مهمی را در اقدام موفقیت آمیز سرمایه گذاری ایفاء مینمایند. در اینجا تعدادی از مسائل مهم و قابل توجه توسعه و برنامه‌های ایجاد و تأسیس (سرمایه‌گذاری) را ذکر می‌نمائیم.

- ۱- نیاز کیفیت بجای کمیت: از نظر اقتصادی چند مجتمع موفق در درازمدت خیلی با اهمیت‌تر از احداث تعداد زیادی کارخانجات است.
- ۲- لزوم محدودیت‌های زمانی: عموماً تمام وقت مؤسسين در گذشته صرف کار و حرفه خود می‌شد و دچار محدودیت‌های زمانی بودند.
- ۳- لزوم باز کردن حسابی برای مسائل و رویدادهای خاص محلی.
- ۴- لزوم آشنانمودن کارآموزان با محیط کار برای انتقال عملی (بجای تئوری) دانش.

بویژه فرمهای جدید همکاری و تعاون بین صنایع کوچک که میتواند بطور قابل توجهی در تشویق رشد فعالیتهای اقتصادی مؤثر باشد.

ایجاد ارتباط بین صنایع کوچک و بزرگ یکی از دستاوردهای مهم و چشم‌انداز پیشرفت صنایع کوچک میباشد. فرم اصلی برقراری ارتباط که اخیراً تجربه گردیده، عقد قراردادهای نوعی و تولیدات تکمیلی است. شکل دیگر که هنوز در منطقه معمول نگردیده، عقد قرارداد صنایع کوچک با صنایع بزرگ برای ارائه خدمات در زمینه تعمیر و نگهداری، خدمات فنی، خدمات ساخت‌افزار کامپیوتر و مشابه آنها میباشد.

زمینه حمایتی دیگر، توسعه صادرات محصولات صنایع کوچک است. صنایع کوچک، با توجه به محدودیت منابعشان معمولاً قادر به شناساندن کاربردهای صادراتی مورد نظر خود نیستند. صنایع

کوچک می‌توانند حقیقتاً نقش عمده‌ای را در مبادلات بازرگانی خارجی بعهده بگیرند، بویژه اینکه مواد خام مورد نیاز اینگونه صنایع مجموعاً محلی بوده و از مصرف مواد خام وارداتی احتراز می‌کنند.

بهر حال، بدست آوردن چنین جهت صادراتی صنایع کوچک را مجبور به تطبیق خود با تنوع تولیدات، محدود نمودن ابعاد خود به حداقل اندازه اقتصادی، تنظیم مرغوبیت کالا و زمان تحویل، دارا شدن حداکثر اطلاعات کاربردی در مناقصات و معاملات بازارهای جهانی، بکار انداختن سرمایه های کافی و قبول و تحمل دیرکرد پرداختهای بین المللی، بعبارت دیگر انتقال بسه سوی صادرات، معمولاً احتیاج به تغییراتی در نوع مدیریت و موجودیت منابع، دارد.

موضوع مسائل مالی و اقتصادی هم یکی از پیچیده ترین مسائل برای توسعه صنایع کوچک می‌باشد. دستیابی به منابع و سازمانهای مالی فشار مضاعفی را به صنایع کوچک تحمیل می‌نماید. یکی روش و طرز برخورد سازمانهای واگذار کننده بودجه در کشورهای در حال توسعه و دیگری ضعف اطلاعات و توانائیهای مدیریت مؤسسين صنایع کوچک در این کشورها است.

سازمانهای مالی معمولاً موقع واگذاری وام دقت می‌نمایند که وام را به صنایع بزرگ و کم‌خطر و کم‌برخورد واگذار نمایند، و با داشتن زمینه‌های اطلاعاتی مورد نیاز قبلی برای کار کردن باوام گیرندگان کوچک را ضروری می‌دانند. به همین مناسبت اگر نظر این باشد که صنایع کوچک موفق باشند لازم است که این سازمانها را در جهتی سوق داد که با شرایط ویژه صنایع کوچک سازگار باشند.

علاوه بر اینها، نمونه‌های خاصی از طرحها و تمهیدات در بیشتر کشورهای آسیائی نشان میدهد

که هرگاه تصمیمات ویژه مالی برای صنایع کوچک از طرف دولتها پیشنهاد میشود، این تصمیمات بایستی با ارائه طرق مختلفی چون مشورتهای تجاری، آموزش و خدمات ترویجی برای رسیدن به اهداف، همراه باشد و در مورد سازمانهای واگذار کننده کمکه‌های مالی‌ای که اعتبارات ارزانتری را برای صنایع کوچک منظور می‌نمایند، توجه خاصی را باید مطوف داشت.

تکنولوژی در صنایع کوچک، برای ابقاء و رشد که باعث پیشرفت ابداعات و نوآوریهای بین‌المللی سریع شود، دشوار است. در ترفیع سطح تکنولوژی فاکتورهای متعددی را بایستی مد نظر داشت از قبیل: الگوهای فرهنگی- اجتماعی- مسائل مربوط به کارگری و جو عمومی صنعتی، در اکثر موارد پیشرفتهای ابتدائی و ناقصی در فنون و روند تولید، کفایت لازم را برای قابل رقابت کردن صنایع کوچک، بویژه در مناطق روستائی، باثبات رسانیده است. ابداعات تکنولوژیکی شاید برای محیطهای محلی یا ملی قابل تطبیق تر باشد در این رابطه جمله «تکنولوژی مناسب» شاید مناسبتر از: تکنولوژی عالی «یا مدرن» باشد.

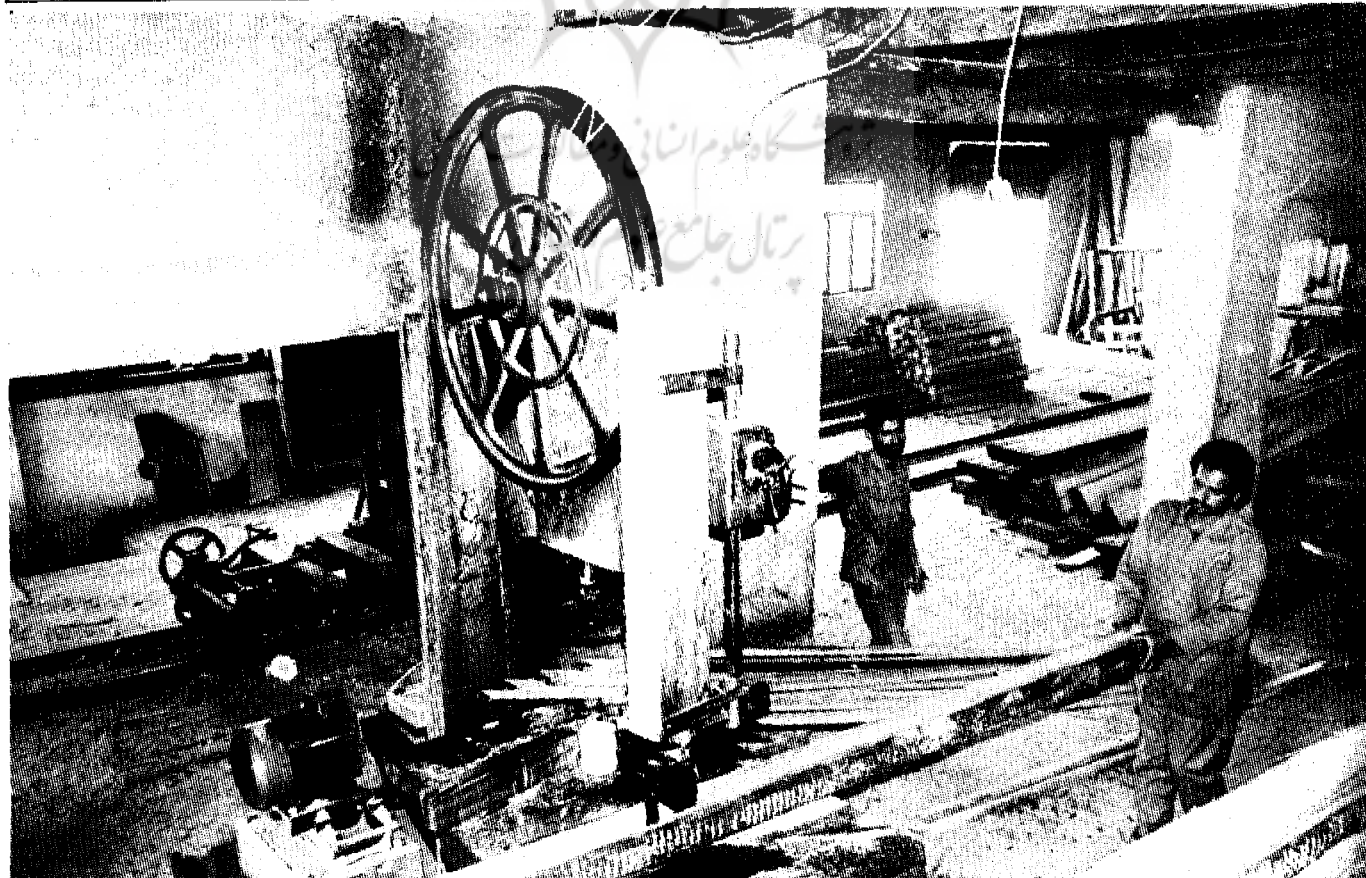
نگرانی در اینست که فشار تکنولوژی‌های نو بر اشتغال اثر سوئی داشته باشد میتوان گفت گرچه نوآوری‌های صنعتی ممکن است که باعث پائین آمدن اشتغال در بعضی از کارها باشد ولی دست‌آوردهائی هم در سایر زمینه‌ها خواهد داشت. ازدیاد بهره‌وری میتواند منجر به رشد بیشتر و ازدیاد تقاضا برای اشتغال مثبت شود. بنیانهای مهارت موجود تحت‌تأثیر قرار خواهد گرفت. چون معمولاً تکنولوژی جدید برای عملیات خاص و تعمیر و نگهداری، نیاز به مهارتهای بالاتری دارد، و لذا، توسعه منابع انسانی از طریق تمهیدات آموزش ویژه، آموزش ضمن خدمت، پیشرفت حرفه‌ای و آموزشهای عمومی، اجتناب‌ناپذیر است.

توسعه و تقویت صنایع کوچک در مناطق غیر شهری (شهرهای بزرگ) مشکلی است که احتیاج به برنامه‌های خاصی دارد. در خیلی از کشورهای در حال توسعه ظرفیتهای صنعتی گرایش زیادی به تمرکز در اطراف مراکز مهم شهری دارند، که این امر باعث ایجاد تراکم، افت اجتماعی و عدم توزیع عادلانه عایدات در قلمرو ملی گردیده است. یک الگوی متعادلتر توسعه صنعتی باعث پائین آمدن هزینه‌های اجتماعی رشد اقتصادی، و بهانه‌ای برای ارتقاء بیشتر کاربرد و مصرف کافی منابع طبیعی و پتانسیل انسانی در مناطق روستائی و در نتیجه سهمیم بودن در توازن توسعه بیشتر، خواهد شد.

تقویت صنایع کوچک در مناطق غیر شهری یا روستائی بایستی سیاستهای توسعه منطقه‌ای را در برداشته باشد. در حقیقت، صنایع کوچکی که نسبتاً تقاضاهای متعادلتري در تسهیلات رفاهی پیچیده و کارگران واجد شرایط داشته باشند، برای قدم نهادن در توسعه روستا مناسبترند. بهر حال، بجای انتقال صنایع موجود از مراکز صنعتی شهرها به مناطق روستائی، بهتر است از مؤسسين بومی استفاده شود.

در مجموع نتایج و توصیه‌های زیر را میتوان ارائه کرد:

- اولاً، مشکلات مهمی که بعنوان موانع پیشرفت توسعه مطرحند عبارتند از:
- نارسائیهای اجتماعی، سازمانی و فیزیکی زیربنائی.
- ارتباط ضعیف یا ناقص با صنایع بزرگ.
- عدم دسترسی به اعتبارات.
- سیاستهایی که منجر به توجه اصلی دولت بر صنایع بزرگ شود.
- عدم وجود هماهنگی در بین سازمانهای حامی صنایع کوچک.



ثانیا، در تقویت نقش صنایع کوچک، کسبهای بایستی در صدر سیاستهای توسعه جمع شده باشد و فعالیتهای سازمانهای حمایت کننده هماهنگ شود. ثالثا، موضوعات ویژه صنایع کوچک و تصمیمات حمایتی احتیاج به اکتشاف و ابداع موارد زیر دارد: -ارتباط بین سرمایه گذارهای خارجی و توسعه صنایع کوچک.

-تجربیات سازمانهای صنعتی-ایکه در سطح کشور فعالیت میکنند.

-اقدامات متخذه در ادغام صنایع کوچک و کشاورزی در سطح محلی.

-سازمان دادن، تطابق پخش صنایع کوچک برای روستا و بخش.

-روشهای تأمین امکانات لازم برای صنایع کوچک در مناطق روستائی (نظیر ایجاد نواحی صنعتی)

-سازمانهای بازاریابی برای مجتمعهای کوچک.

- تحریک پتانسیل قراردادهای فرعی برای صنایع کوچک ممتاز و کارخانجات خدماتی صنعتی.

-شقوق دیگر تمهیدات موجود تأمین اعتبار برای صنایع کوچک.

-معرفی تکنولوژیهای جدید و اضطراری به واحد صنایع کوچک.

رابعا، اقدامات حمایت ویژه به صنایع کوچک میتواند شامل موارد زیر باشد:

-معرفی ترکیبات واحدی از صنایع کوچک سنتی ومدرنی که بتوان در سطح ملی، منطقه‌ای یا جهانی بکار انداخت.

- معرفی و تحریک استعدادهای مؤسسين در سطح محلی.

-تسهیل و دسترسی صنایع کوچک به اعتبارات تجاری.

-بهبود کنترل مرغوبیت و ممتاز نمودن کیفیت محصولات.

-ایجاد تسهیلات خدماتی و اجرای بهتر برای صنایع کوچک در سطح محلی

-حمایت دوجانبه ملی و بین‌المللی از تعاون و همکاری بین صنایع کوچک.

-دخالت سازمانهای صنایع کوچک در فرموله کردن و اجراء برنامه‌های حمایتی.

-تشویق و ترغیب صنایع کوچک در مشارکت معاملات و مناقصات همگانی.

-تأمین ارتباط بهتر بین صنایع کوچک و بزرگ.

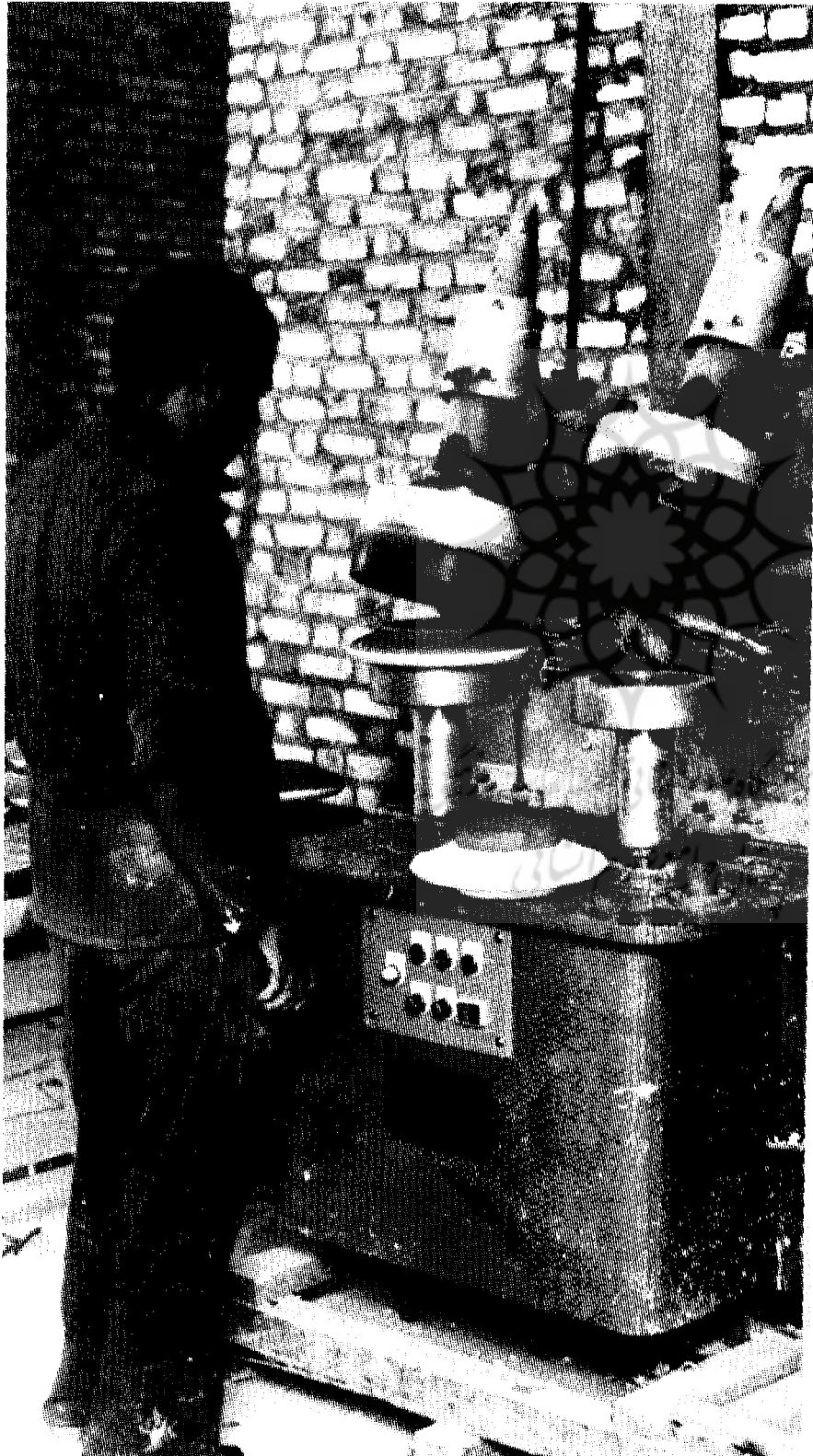
فصل اول- سهم صنایع کوچک در صنعتی کردن کشورهای در حال توسعه

مجتمع‌های صنایع کوچک شامل عملیات متنوع سازمان یافته‌ای از قبیل: تولیدات خانگی، صنایع دستی، تعمیر و نگهداری قطعات کوچک و غیره هستند که بین انواع مختلف آن یعنی صنایع دستی، صنایع کوچک طراحی شده دستی و صنایع کوچکی که از تکنولوژی مدرن استفاده می‌کنند، اختلاف اصولی وجود دارد. اگر چه صنایع کوچک سنتی در مناطق روستائی مستقر می‌باشند، صنایع کوچک مدرن بعلت تسهیل انعقاد قراردادهای فرعی با صنایع بزرگ، دسترسی به نیروی کار ماهر و برخورداری از خدمات فیزیکی و بنیانی مناسب تمایل به تمرکز در مناطق شهری دارند. بنابراین

یکی از مشکلات عمده روش توسعه این است که آیا صنایع کوچک سنتی را باید رونق داد و یا باید در توسعه صنایع کوچک مدرن کوشید.

۱- بعضی از خصوصیات کلیدی مجتمعهای صنایع کوچک، صنایع کوچک اعم از صنایع کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه، اکثریت ظرفیت کارخانجات و نیروی کار را بخود اختصاص می‌دهند. در تشکیلات کارخانه‌ای کوچک، مدیر کارخانه که خود صاحب آن نیز هست

کلیه مسئولیتهای دراز مدت و کوتاه مدت را عهده‌دار بوده و تمام وظائف و تصمیمات مهم تنها بوسیله یک نفر انجام می‌گیرد. مشکلات عمده‌ای که بسیاری از کارخانجات کوچک با آن روبرو هستند. تجهیز منابع مالی، دسترسی به بازار فروش و بالا بردن سطح دانش، اطمینان و اعتماد تجاری پائین، امنیت محدود و خطر سقوط صنایع کوچک می‌باشد. کمبودهای مالی علاوه بر این که باعث محدود شدن عملیات اجرائی می‌گردند، صاحبان

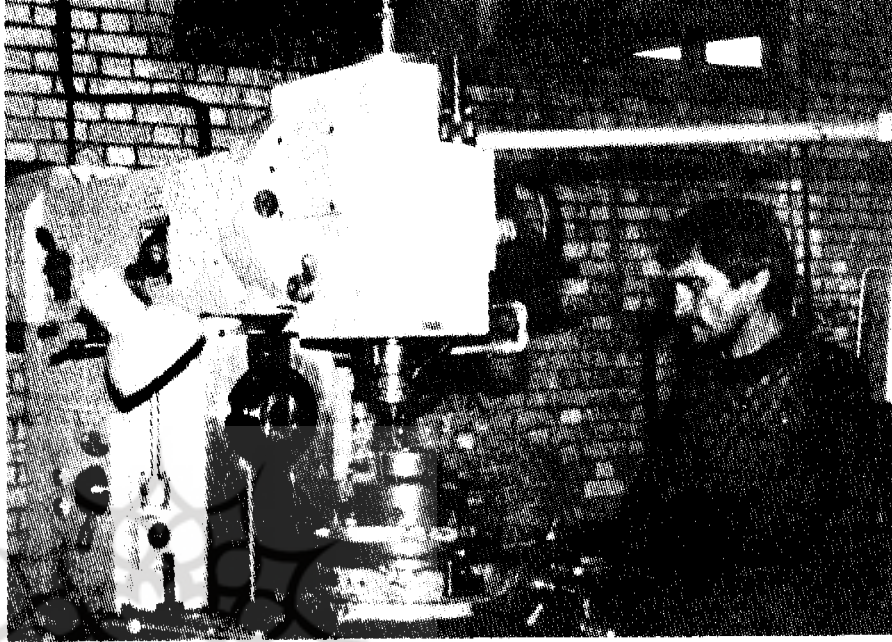


این صنایع را مجبور به گرفتن وام‌هایی با بهره بالا از صرافان می‌کند.

بازاریابی: بیشتر صنایع کوچک کشورهای در حال توسعه خود را در حد تامین بازار محلی محدود می‌کنند حال آنکه باید از طریق دادن اطلاعات و آگاهی بیشتری از بازار به صاحبان صنایع و همچنین دادن اطلاعاتی در مورد تولیدات صنایع کوچک به مشتریان، بازار این صنایع را بهبود بخشید. در واقع، رشد کارخانه به قدرت کارفرما در

ماندگی روستاهاست که خود حکایت از عدم توازن عایدات در منطقه دارد، اما از آنجائیکه سهم بزرگی از تولیدات صنایع کوچک در مناطق روستائی واقع شده،^(۱۱) نه تنها باعث توسعه روستا خواهد شد بلکه در قطع مهاجرت و رفع مشکلات حاصله از تراکم جمعیت در شهرها نیز موثر خواهد بود.

مزیت دیگر صنایع کوچک پتانسیل آنها در بر قرار کردن ارتباط بین تولیدات صنعتی و کشاورزی است. صنایع کوچک در تبدیل کالاهای کشاورزی و



پیشرفته مقدر نیست؟ ولی از آنجا که تکنولوژی میکروالکترونیک پتانسیل تطبیق در کارخانجات کوچک را دارد، می‌توان آن را با نیاز مشتریهای صنعتی وفق داد. البته برای تحقق این قابلیت، عوامل اقتصادی- فرهنگی و اجتماعی را باید در نظر گرفت. همچنین باید توجه داشت که تکنیکهای تولیدی میکروالکترونیک نیاز به اطمینان بخش بودن کامل داده‌ها و اجزاء درزمینه‌های برنامه و دستورالعمل‌های تحویل کالا و استانداردهای کیفی آن دارد، درحالیکه کشورهای در حال توسعه از عهده این الزامات برنمی‌آیند و باعث شدت بخشیدن به روند عقب ماندگی و ادغام و تبدیل آنها به یکی از دو نوع «بومی یا چندملیتی» می‌شوند. بنابراین باید مورد متقاعدکننده‌ای، برای اتخاذ تصمیمات حمایتی، بسا هدف حذف اینس مشکلات در تطبیق تکنولوژیهای جدید در داخل صنایع کوچک، در نظر گرفت.^(۹)

زیرنویس:

(۱) - «رشد و تأثیر صنایع کوچک و متوسط در کشورهای آسه آن (ASEAN)، نقد توسعه آسیائی، جلد ۱ (۱۹۸۳) شماره ۱، صفحه ۱۱. همان تحقیق نتیجه می‌گیرد در حدود نیمی از صنایع زیر بخش، کارخانه‌های کوچک و متوسط مؤثرتر از بزرگترها بوده، حتی اگر مشارکت سرمایه و کارگران را هم در نظر بگیریم.

(۲) - سهم صنایع روستائی سنتی در مجموع استخدام کارخانجات حدود ۷۰ درصد در بنگلادش و ۶۳ درصد در مالزی (ILO.Cf) صنایع کوچک روستائی و اشتغال در آفریقا و آسیا، ژنو، ۱۹۸۴، صفحه ۳

(۳) - یونیدو، «برنامه توسعه صنایع کوچک» ۱۴ ژوئن ۱۹۸۳، صفحه ۵

(۴) - درمورد سیرالئون تخمین زده شد که ۱۰ درصد از دیاد تولیدات کشاورزی منجر به از دیاد ۱۶ درصد تقاضا جهت تولیدات کارخانجات صنایع کوچک خواهد شد. اقدامات دولت در جهت ارتقاء صنایع کوچک با توجه به راندمان نهائی، عملیات متوسط و نهاده‌های اولیه، در بولتن صنایع کوچک برای آسیا واقیانوسیه

(ESCAP) شماره ۱۸، ۱۹۸۲، صفحه ۱۷.

(۵) - CF. SIT. V. F. S استراتژی‌هایی برای ارتقاء کارخانجات صنایع کوچک در توسعه منطقه (ESCAP) در بولتن آسیا واقیانوسیه، جلد ۳۳، شماره ۱، ژوئن ۱۹۸۲، صفحه ۷۳

(۶) - گزارش پانل در پیش‌تازان جوان در پذیرش تکنولوژی. ادغام تکنولوژیهای سنتی و جدید، دویلین ۱۹۸۲، صفحه ۷

(۷) - unido، انتظارهای پذیرش میکرو الکترونیکها در توسعه روند تولید آفریقا، ۲۲ جولای ۱۹۸۲، صفحه ۱

(۸) - Cf. e. g میکرو الکترونیکها در کارخانجات متوسط و کوچک در انگلستان»، در ILO: ترکیب تکنولوژیهای جدید و سنتی، دسته‌بندی شده از تجربیات و طرحها، ژنو ۱۹۸۴، صفحه ۹۹

(۹) - تکنولوژیهای جدید صنعتی و توسعه نیروی انسانی در آسیا، بعضی از مقالات انتخابی، این تحقیق توسط شاخه مطالعات کشوری و منطقه‌ای یونیدو انجام شده، ۱۹ فوریه ۱۹۸۶.

تولید ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز زراعت نقش بسزایی داشته و همچنین تقاضای مکرری از تولیدات عرضه شده بوسیله صنایع کوچک در مناطق روستائی و بین کارکنان مشاهده می‌شود.^(۹) علاوه صنایع کوچک در تشکیل سرمایه‌های محلی نیز سهم چشمگیری دارند که این مسئله در مقابل بحرانهای بدهی خارجی کشورها، اهمیت زیادی دارد. در واقع صاحبان این صنایع منابع پس‌اندازهای شخصی^(۵) در جهت بهره‌وری هستند و شهرت صنایع کوچک نیز در نیاز به سرمایه‌گذاری زیربنائی قلیل و استفاده از مواد خام موجود در محل بجای اتکا به مواد وارداتی می‌باشد. همچنین صنایع کوچک از طریق فراهم کردن زمینه‌های آموزشی در موارد فنی، مدیریت و بازاریابی و مهارت و تولید و ساختن قطعات و لوازم یدکی کارخانجات بزرگ و نیاز به تکنولوژیهای نو در صنعتی کردن درازمدت کشورها نیز مفید می‌باشند.

اوائل دهه ۱۹۸۰ شاهد ابداعات جدی تکنولوژی ویژه صنعت بود. اختراعات اخیر از قبیل ماشین‌هایی که با ارقام کنترل می‌شوند، طرح کامپیوتریزه یا اطلاعات مبتنی بر میکروسپور و دستگاههای کنترل «تکنولوژی مدرن را بیش از پیش بالقوه قابل قبول تولیدکنندگان سنتی می‌کند»^(۷) و «علااً عدم تمرکز صنایع کوچک را تسهیل می‌کند.» پرش از تکنولوژیهای سنتی به

تطبیق تولید با شرایط متغیر بازار بستگی دارد. بیشتر کارخانجات در زمینه تکنولوژی بجای خلاقیت تمایل به تقلید دارند و علاقه خود را در تولید کالاهای ساده‌تر و کاربرد آسانتر و یا روند تولید یکنواخت و قالبی نشان می‌دهند. در صورتی که اگر یک واحد صنایع کوچک موفق شود، طبیعی است که بتدریج رشد نموده و تبدیل به یک کارخانه و شرکت صنعتی پیچیده خواهد شد. البته توسعه و تبدیل کارخانجات کوچک به بزرگتر و به واحدهای سازمان یافته‌تر و مفیدتر و رشد کمی و کیفی آن همگی بستگی به تلاش تصمیم گیرندگان اصلی آن دارد.

۲- مزایای صنایع کوچک در توسعه و صنعتی کردن: صنایع کوچک در عین حال که از تکنولوژیهای کارگر بر استفاده کرده و بخش وسیعی از نیروی کارگری را بخود جذب می‌کنند، از نظر کفایت، چه در بازار داخلی و چه در بازارهای صادراتی قابل رقابت با صنایع بزرگ می‌باشند؛ چنانچه تحقیقات اخیر در مورد صنایع کوچک کشورهای آسه آن (ASEAN) نشان می‌دهد که بیشتر واحدهای صنعتی صنایع کوچک، خاصه صنایع چوب و فلز در بهره‌وری، به سرمایه بیشتری نسبت به صنایع بزرگ دست یافته‌اند.^(۱۱)

از مزایای دیگر واحد صنعتی کوچک تأثیر مثبت آن در توزیع عایدی در زمینه‌های اجرائی (سود و دستمزد) و منطقه‌ای می‌باشد. در کشورهای در حال توسعه رشد مراکز شهری عموماً به قیمت عقب